

رانندگه هرکه هرکه در سیرجان

سحر لشکری

گزارش

اگر بگویند شهری به امان خدا رها شده، آنجا بدون شک سیرجان است. رانندگی‌های هرکی دیگر در سیرجان پذیرفته و تبدیل به فرهنگ شده است.

دوربین‌های سر چهارراه‌ها انگار از فعلیت افتاده باشند که خیلی راحت جوانان سرمست با خودروشان دستی می‌کشند و حرکات خطرناک نمایشی اجرا می‌کنند.

چراغ زرد هم در سیرجان سال‌هاست به این معنی تلقی شده که همه طرف‌های چهارراه می‌توانند برانند!

بنابراین گاز دادن سرچهارراه‌ها هنگام زردی چراغ و قفل شدن ترافیک به ویژه وقتی گروهی قصد مستقیم رفتن و گروهی دیگر نیت گردش به چپ دارند، از مشکلات اساسی و بزرگ گره کور ترافیکی در سیرجان است. درحالی مسئولان ترافیکی منفعل هستند که مردم در شهر هرجا خواستند پارک می‌کنند و هرطور خواستند می‌رانند. نوعی هرج و مرج که در دانش سیاست به عنوان علم مدیریت جامعه به آن جنگ همه علیه همه می‌گویند. هیچ راه حل فوری و آنی هم نیست جز اعمال جریمه سنگین در کوتاه مدت و هزینه کردن مسئولان شهری برای کار فرهنگی از طریق رسانه‌های محلی تا برای ارتقا فرهنگ رانندگی مردم سیرجان بکوشند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد اقدامات پیشگیرانه و ابزاری برای کنترل عبور و مرور در سیرجان فراموش شده است.

مثلا برای گردش به چپ خودروها در بسیاری از چهارراه‌های شلوغ سیرجان یک بازوی زمانی جدای از خودروهایی بگذارند که قصد مستقیم رفتن دارند، تعیین نشده است. مثل کار درستی که در سه‌راه کرمان و چهارراه شهرداری منطقه یک شده است. در عمل می‌بینیم که سه زمانه و چهارزمانه کردن چراغ‌های راهنمایی و رانندگی در چهارراه‌های پرترددی مثل چهارراه تامین اجتماعی و چهارراه شهربابکی و... انجام نشده است درحالی که این مشکل در چهارراه مشهور به شهربابکی دوچندان هم هست زیرا خیابان امام رضا(ع) یک طرفه است و خودروهایی که از خیابان امام رضا به این چهارراه می‌رسند، اگر نیت ادامه مستقیم مسیر را داشته باشند، گاهی ناگزیر از دست چپ وارد خیابان دو طرفه امیرکبیر می‌شوند و با خودروهایی که از امیرکبیر به چهارراه شهربابکی رسیده‌اند، رخ به رخ شده و احتمال تصادف را بالاتر می‌برند. حالا تصور بفرمایید که خودرویی از سمت چپ خیابان امام رضا قصد دارد وارد امیرکبیر شود و از طرف مقابل خودروی رسیده به چهارراه در امیرکبیر نیز قصد گردش به چپ در چهارراه را دارد، برخوردی هم بین خودروها اتفاق نیفتد، گره کوری ایجاد می‌شود که برای پیاده‌ها تماشایی‌ست و برای سواره‌ها اعصاب خرد کن!

واقعا چرا در شورای ترافیک فکری به حال این مسایل شهر سیرجان نمی‌شود؟ انگار شهر به حال خود رها شده و رانندگی‌ها به راستی هرکی هرکی‌ست.

بسیاری از این مشکلات ترافیکی سیرجان جدید نیست و مختص امسال و پارسال هم نیست. این مشکلات در عینی که کهنه کرده اما به خاطر تکراری شدن و عادی به نظر رسیدن، فکری هم به حال‌شان نمی‌شود! حالا انگار سالیانی است که راهنمایی و رانندگی نیز تسلیم همین فرهنگ غلط رانندگی ما سیرجانی‌ها در چهارراه و پارک کردن‌های نابجایان در خیابان‌ها شده است.

طبیعتا هر مامور وظیفه‌شناس پلیس از مردم توقع دارد به قوانین راهنمایی و رانندگی پایبند باشند و خود را ضامن اجرایی این قوانین می‌داند اما کار وقتی بیخ پیدا می‌کند که به خاطر کثرت تخلف، دیگر درجه‌ی حساسیت راهنمایی و رانندگی هم پایین بیاید و به قولی تخلف برایش عادی شود. شاید به همین دلیل است که راهنمایی و رانندگی چند سالی هست که در سیرجان دچار روزمره‌گی گشته. یعنی همه چیز برایش علی‌السویه

شده است و از طرفی اوضاع رانندگی مردم و ترافیک شهر روز به روز بغرنج تر می‌شود.

در عمل دوربین‌های خیلی از تقاطع‌های پرتردد در سیرجان مثل چهارراه اشکذری و چهارراه قریب و چند چهارراه دیگر حکم لولوی سر جالیز را پیدا کرده‌اند.

واقعیت این است که اگر کمی از لاک خودمان بیرون بباییم و کمی از مرکزشهر به اطرافش هم دقت کنیم، متوجه می‌شویم که سیرجان خیلی وقت است از لحاظ رانندگی به حال خودش رها شده است.

ما در این سال‌ها عادت کرده‌ایم اسم پا گذاشتن روی گاز و رد شدن از چراغ زرد و قرمز چهارراه‌ها را بگذاریم دست‌فرومون. اسم پارک کردن‌های دوبله و سوبله را بگذاریم «کار واجب داشتن» حتا اگر دو قدم آن طرف‌تر از جایی که ما قصد پیاده شدن داریم هم جا برای پارک کردن خالی باشد! حتا اگر با وسط خیابان توقف کردن ما ترافیک سنگینی پشت سرمان ایجاد شود یا حتا اگر کسی که پیش از ما در گوشه‌ی خیابان پارک کرده، قصد رفتن داشته باشد و ما راهش را بسته باشیم. برای فرهنگ شهری‌نشده و شخصیت خودخواه تک تک ما چه اهمیتی دارد، مزاحمت برای دیگری؟

عادت کرده‌ایم اسم راه ندادن به دیگری‌ئی که حق تقدم هم داشته را بگذاریم زرنگی و در این کار آن قدر افراط کنیم که حتا با دیدن یک مادر و بچه‌اش در دست در میانه‌ی خیابان هم باز ترجیح‌مان این باشد که پای‌مان را روی گاز فشار بدهیم.

حتا اگر بارها شاهد تصادفات سرچهارراه‌ها و دردسرهای مالی بعدی‌اش باشیم یا اخبار خسارت‌های جانی ناشی از رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی را شنیده باشیم ولی باز تو گویی نرود میخ آهنین در سنگ. باز هم انگار خیابان حیاط خانه‌ی شخصی‌مان باشد. هرجا خواستیم می‌رانیم، توقف می‌کنیم یا دستی می‌کشیم. هیچ کس هم نبوده به ما بگوید خرتان به چند است.

اما فرهنگ رانندگی مردم سیرجان ایراد دارد. درست است. اما عجلالتا و در کوتاه مدت تا نظارت قانون نباشد، از تخلفات کاسته نمی‌شود. در بلندمدت اما باید این نقد را وارد کرد که در این اواخر راهنمایی و رانندگی سیرجان کی با شورا و شهرداری جلسه‌ی هماهنگی گذاشته تا هم برای ایجاد چند پارکینگ عمومی و هم برای نهادینه کردن فرهنگ رانندگی در سیرجان، هم‌اندیشی شود؟

مشکلات ترافیکی سیرجان خود به خود به خاطر رعایت نشدن مقررات راهنمایی و رانندگی در شهر ما کم نیستند اما این مشکلات در مواقع رفت و آمد دانش‌آموزان به مدارس صدچندان می‌شوند.

جدا از اینکه سابق بر این عمده دانش‌آموزان در مدارس نزدیک خانه خود ثبت نام می‌شدند و با پای پیاده یا دوچرخه راهی مدرسه بودند و اضاف بر آن برای باقی مینی‌بوس‌هایی بودند که به عنوان سرویس مدارس ایفای نقش می‌کردند ولی چندی است که دلایل مختلف دست به دست هم داده‌اند تا در زمان رفت و آمد دانش‌آموزان و اولیای مدارس شاهد گره کور ترافیکی در خیابان‌های سیرجان باشیم. افزایش جمعیت یک شهر مهاجر پذیر، آن فضای آشنا و امن روانی مردم شهر را از بین برد. با بزرگ شدن شهر کوچکی مثل سیرجان، دیگر کمتر پدر و مادری جرات می‌کند کودک پسر و دخترش را با پای پیاده یا با دوچرخه راهی مدرسه کند و عموم اولیای خانه ترجیح دهند خودشان شخصا با خودروی خود بچه‌هاشان را میان خانه و مدرسه جا به جا کنند.

رفته رفته رقابت ناسالم در نظام آموزش موجب شده که عمده اولیای خانه، فرزندان‌شان را در مدارس مجاور سکونت خود ثبت نام نکنند و دنبال مدرسه‌های خاصی باشند بدون توجه به میزان مسافت.

همزمان با این اتفاق از طرف دیگر اندک اندک مینی‌بوس‌های سابق فرسوده شدند و در کشور تحریم شده ما جایگزینی هم برای این ناوگان ایجاد نشد و تنها خودروهای سواری جای سرویس‌های مدرسه را گرفتند که طبیعتا خود نه تنها برطرف کننده مشکل نیستند که خود بخشی از مشکل شده اند زیرا به حجم ترافیکی می‌افزایند.



هجده

چهارم ماه ۱۴۰۴